

طبقه‌بندی گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری شیعه

علی محمدی یدک*

اشاره

نوشته حاضر درصدد است به این پرسش بپردازد که «گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری شیعه چه طبقه‌بندی و ساختاری دارند؟». دانستن این مسئله، دست‌کم به نوعی وضعیت‌سنجی از تفاسیر موجود و شناخت برخی قوت‌ها و ضعف‌های آنها می‌انجامد و به دآوری درباره تفاسیر نیز کمک خواهد کرد. برای دستیابی به پاسخ این مسئله، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور منابع موجود، نخست تعریفی از گرایش و سبک تفسیری ارائه شده است؛ و آنگاه بر اساس این تعریف، تفاسیر موجود شیعی طبقه‌بندی شده‌اند. گرایش تفسیری عبارت است از: جهت‌گیری‌هایی که از هدف‌ها و دغدغه‌های ذهنی مفسر، یا تخصص و دانش او یا نیازها و خواسته‌های مخاطبان برمی‌خیزد. سبک تفسیری نیز یعنی حالت‌ها و چگونگی بیان و عرضه متن تفسیر قرآن. بر اساس این تعریف، گرایش‌های تفسیری شیعه در شش گروه طبقه‌بندی شده‌اند: ۱. ادبی، ۲. فقهی، ۳. کلامی، ۴. فلسفی، ۵. ترتیبی و ۶. اجتماعی. طبقه‌بندی سبک‌های تفسیری شیعه نیز در ۱. زبان تفسیر، ۲. شکل بیان تفسیر و ۳. تفاسیر موضوعی به نمایش درآمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گرایش تفسیری، سبک تفسیری، تفاسیر شیعه، طبقه‌بندی تفاسیر

مقدمه

پرداختن به مباحثی نظیر گرایش‌شناسی و سبک‌شناسی تفاسیر قرآن هرچند ممکن است از مسائل بنیادین در عرصه تفسیرپژوهی قرآن به شمار آید، اما دست‌کم یکی از نتایج کاربردی آن دستیابی به نوعی وضعیت‌سنجی از تفاسیر موجود خواهد بود. به عبارتی اگر بتوان بر اساس چنین پژوهش‌هایی به بررسی و تحلیل محتوایی و حتی شکلی تفاسیر موجود پرداخت، گام مهمی در بهبود وضعیت فعلی تفاسیر برای رسیدن به نقطه مطلوب برداشته خواهد شد. ضمن آنکه در پرتو چنین تلاش‌هایی می‌شود برخی کاستی‌ها و ناراستی‌ها را آشکار کرد، راه را برای بهترشدن تفاسیر بعدی هموار ساخت و جویندگان و پویندگان تفاسیر قرآن را از لغزشگاه‌ها، انحراف‌ها و حتی تعصب‌ها و تصلب‌های فکری و فرقه‌ای رهانید.

بدون شک آگاهی از روش، گرایش، سبک و مبانی اندیشگی مفسر، در داوری خواننده و مخاطب اثرگذار است. خواننده در صورتی می‌تواند دیدگاه مفسری را رد کند یا بپذیرد که از مبانی، مکتب، روش، گرایش و سبک تفسیری وی اطلاعات لازم و کافی را داشته باشد. به عبارتی، مقدمه قضاوت درباره هر تفسیر و مفسری، آشنایی با روش و مبانی فکری مفسر و نوع گرایش و سبک تفسیری او است؛ چه بسا بدون این مقدمه، نتوان به قضاوت درستی دست یافت. آشنایی مخاطب با گرایش و سبک تفسیری مفسر، دست‌کم زمینه تفاهم و ارتباط دوسویه مخاطب و متن تفسیری را فراهم می‌کند. شاید همین امر برای ضرورت پرداختن به سبک‌شناسی و گرایش‌شناسی تفسیر کافی باشد.

از طرفی نیز در میان تفاسیر موجود هیچ تفسیری را نمی‌توان یافت که بر پایه گرایش و سبک خاصی نچرخد. بنابراین، گرایش و سبک تفسیری قرآن، پیشینه‌ای به درازای تاریخ تفسیر قرآن دارد؛ هرچند سبک‌شناسی و گرایش‌شناسی تفسیر قرآن به شکل امروزی، از مباحث نوپدید در عرصه قرآن‌پژوهی به شمار می‌آیند.

چیستی گرایش و سبک تفسیری

پیش از مفهوم‌شناسی گرایش و سبک تفسیری، و بیان چیستی این دو اصطلاح، باید یادآور شد که مفاهیمی نظیر روش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری قرآن از

اصطلاحات تقریباً نوپدید هستند که ممکن است در آغاز، از هر سه اصطلاح یک معنا به ذهن تبادر کند، حال آنکه در واقع چنین نیست و هر یک معنایی جدا از دیگری دارد. شاید دلیل نامنقح بودن تعریف این چند اصطلاح را بتوان در این نکته یافت که بیشتر مفسران، به‌ویژه مفسران کهن، در آغاز تفسیر، مبانی و روش‌های تفسیری خود را منقح نساخته‌اند و حتی تعریفی از این اصطلاحات عرضه نکرده‌اند. از آنجا که این مباحث، با این عناوین، مباحثی نوظهور هستند، چه‌بسا در یک مورد، از اصطلاحات مختلفی استفاده شود. از این رو، گاهی به‌جای روش‌های تفسیر، اصطلاح‌های «گرایش‌های تفسیری»، «مذاهب تفسیری» و «مکاتب تفسیری» به کار می‌روند. همچنین گاهی واژه‌های مبانی، اصول و قواعد به‌جای یکدیگر به کار می‌روند و موجبات خلط مفاهیم و اصطلاحات را پدید می‌آورند (رک: شاکر، ۱۳۸۲: ۳۹).

برخی قرآن‌پژوهان با اشاره به خلط‌های موجود در این باره و به‌کارگیری این اصطلاح‌ها در جای یکدیگر، مدعی‌اند با سه اصطلاح «روش»، «گرایش» و «سبک بیانی» می‌توان این اصطلاح‌ها را ضابطه‌مند کرد (رک: شاکر، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۷) و برای هر یک تعریف و مفهومی جداگانه برشمرد. بنابراین می‌توان تعریف مستقلی از هر یک از دو اصطلاح گرایش تفسیری و سبک تفسیری ارائه کرد.

گرایش تفسیری

برخی معناهای این واژه فارسی عبارت‌اند از: قصد، آهنگ، میل، خواهش (تبریزی، ۱۳۶۱: ۳/۱۷۸۳)، رغبت، عزم، تدارک و آمادگی (نفیسی، ۲۵۳۵: ۴/۲۸۸۸)، اراده، تمایل، سنجش و توزین (معین، ۱۳۷۵: ۳/۳۲۲۵؛ دهخدا، بی‌تا: ۱۲/۱۹۰۱۶). معناى اصطلاحی ترکیب «گرایش‌های تفسیری» که در عربی از آن به «اتجاهات تفسیری» تعبیر شده است نیز چندان با معنای لغوی آن بی‌ربط نیست؛ زیرا مراد از گرایش تفسیری، جهت‌گیری‌ها و سمت و سوهایی است که ذهن و روان مفسر، در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، بدان‌ها تمایل دارد. بنابراین، بسیاری از اوصافی که برای تفسیر ذکر می‌شوند، نشانگر گرایش خاص مفسران‌اند؛ اوصافی چون: کلامی، تاریخی، اخلاقی، تربیتی، هدایتی، ارشادی، روحانی، اجتماعی، سیاسی و تقریبی. به باور برخی تفسیرپژوهان، مهم‌ترین عامل پدیدآورنده گرایش‌های مختلف تفسیری «جهت‌گیری‌های عصری مفسران» است.

این جهت‌گیری‌ها معلول سه عامل‌اند: ۱. دانش‌هایی که مفسر در آنها تخصص دارد؛ ۲. روحیات و ذوقیات مفسر؛ ۳. دغدغه‌های مفسر نسبت به مسائل مختلف بیرونی (رک: شاکر، ۱۳۸۲: ۴۵، ۴۸ و ۴۹). بنابراین، در تعریف اصطلاحی گرایش تفسیری می‌توان چنین گفت: جهت‌گیری‌هایی که از هدف‌ها و دغدغه‌های ذهنی مفسر، یا از تخصص و دانش او، و یا نیازها و خواسته‌های مخاطبانش ناشی می‌شوند گرایش‌ها و رویکردهای مختلف تفسیری نامیده می‌شوند.^۱

برخی، گرایش‌های تفسیری را به گرایش تام، ناقص و ترکیبی تقسیم کرده‌اند. در گرایش تام، اندیشه‌ها و ویژگی‌های فکری مفسر در تفسیر تمام آیات تأثیر گذاشته‌اند؛ مانند تفاسیر صوفی و رمزی که در آنها اندیشه‌ها و افکار مفسر تمام آیات را در بر گرفته است. در گرایش ناقص، اندیشه‌ها و پیش‌فرض‌های ذهنی مفسر در ضمن دیگر منابع و روش‌های تفسیری و متناسب با تفسیر آیه به کمک تفسیر آمده‌اند؛ مانند تفسیر *المیزان* که ضمن بهره‌مندی از روش تفسیر قرآن به قرآن، نوعی گرایش فلسفی نیز دارد. گرایش ترکیبی نیز یعنی تفسیری که از دو گرایش تام و ناقص شکل گرفته است. برخی تفاسیر دارای دو گرایش یا بیشترند، چنان‌که در تفاسیر ادبی و بلاغی به این مسئله برمی‌خوریم (رک: علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۲۱۵ و ۲۱۶).

سبک تفسیری

واژه فارسی سبک در معنای روش، رفتار، طریقه، وضع، شکل (نفیسی، ۲۵۳۵: ۳/ ۱۸۳۴)، طرز، شیوه (معین، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۸۱۸) و... به کار رفته است، و در اصطلاح ادبی، روش خاصی است که نویسنده یا شاعر، ادراک و احساس خود را بیان می‌کند. سبک را از دیدگاه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند: از دیدگاه اندیشگی و جهان‌بینی، از دیدگاه زبانی، از دیدگاه ساخت‌گرایی و... (انوشه، ۱۳۷۶: ۲/ مدخل سبک). اما ترکیب «سبک تفسیری» در اصطلاح دانش تفسیر عبارت است از: «حالت و چگونگی تنظیم، بیان و عرضه مطالب تفسیری».

همان‌طور که مفسران در گرایش تفسیری چند دسته هستند، در سبک تفسیری نیز این چنددستگی با شدت بیشتری قابل مشاهده است؛ حتی شاید بتوان گفت تنوع و تعدد سبک‌های بیانی در تفسیر به تعداد تفاسیر و مفسران است.

محققان، مواردی را در بیان عوامل شکل‌دهنده سبک تفسیری برشمرده‌اند که در این میان دو مورد را می‌توان از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سبک تفسیری برشمرد: ۱. درک شرایط مخاطب؛ ۲. ذوق و سلیقه شخصی. سبک‌های بیانی در تفسیر را به دو قسم کلی و جزئی نیز می‌توان تقسیم کرد. سبک‌های کلی مانند تفسیر منظوم، مثنوی، مزجی، مختصر، مفصل، ترتیبی، موضوعی و...، و سبک‌های جزئی جز اینها هستند که با توجه به ذوق و سلیقه مفسر پدید می‌آیند (رک: شاکر، ۱۳۸۲: ۵۰ و ۵۱).

گرایش‌های تفسیری

مفسر قرآن در گرایش تفسیری، با قطع نظر از روشی که برمی‌گزیند، همه تلاش و اهتمام خود را به کار می‌بندد تا اهداف و اغراضی که از تفسیر قرآن دنبال می‌کند، محقق شوند (سبحانی، ۱۳۸۴: ۷۳ و ۷۴). به عبارت دیگر، مفسر در گرایش تفسیری مصمم است تا ویژگی‌های فکری خود را در تفسیر قرآن اعمال کند (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۱۰، ۲۷، ۲۱۵).

به نظر می‌رسد گرایش تفسیری مرتبه‌ای پس از روش تفسیری است؛ یعنی بعد از آنکه مفسر راه و منبع تفسیری را برگزید و با کمک آن به سراغ قرآن رفت، نوبت به گرایش تفسیری می‌رسد. در گرایش تفسیری، مفسر به دنبال آن است که چه چیزی را می‌خواهد از قرآن بیرون بکشد و هدفش از تفسیر قرآن چیست. اگر هدفش از تفسیر قرآن تحصیل مسائل اخلاقی باشد، گرایش او گرایش اخلاقی خواهد بود؛ اگر هدفش مسائل اعتقادی و کلامی باشد، گرایشش کلامی خواهد بود؛ اگر فلسفه است فلسفی و همین‌طور مسائل سیاسی، اجتماعی، تربیتی و... البته تقدم روش بر گرایش امری حتمی، ضروری و ذاتی نیست، بلکه ممکن است مفسر ابتدا گرایش خود را در تفسیر انتخاب کند و آنگاه با اتکا بر این گرایش، روش را برگزیند. بنابراین، تقدم یا تأخر رتبه هر یک از گرایش و روش امری اختیاری و نسبی است.

به هر حال پس از آشنایی با تعریف و مفهوم گرایش تفسیری، برخی گرایش‌های تفسیری شیعه با فهرستی از تفاسیر مربوط به آنها، ارائه می‌شوند:

۱. تفسیر ادبی^۲

گسترده‌گی مباحث ادبی قرآن موجب شده است تا قرآن‌پژوهان، گرایش تفسیر ادبی را به چند دسته تقسیم کنند. بعضی، آن را به «تفسیر بیانی» و «تفسیر لغت و قواعد عربی» تقسیم کرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۴۵ و ۱۴۹). برخی دیگر افزون بر «تفسیر بیانی» و «تفسیر لغوی» از «تفسیر هرمنوتیک قرآن» نیز یاد کرده و به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۲۵۴). با قطع نظر از این تقسیمات و در نگاهی کلی و بیرونی، گرایش ادبی مجموعه تفاسیر شیعه را از نظر می‌گذرانیم.

گروهی از مفسران شیعی بر پایه روش عقلی-اجتهادی و با هدف پرداختن به وجوه ادبی قرآن، گرایش تفسیر ادبی را پدید آورده‌اند. آنان در این گرایش کوشیده‌اند تا با اندوخته‌های ادبی خود به لغت‌شناسی، نکته‌های صرفی و نحوی، فصاحت، بلاغت و امور بیانی قرآن توجه نمایند و ضمن پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های مخاطبان، آثار فاخری را با گرایش ادبی خلق کنند. آنچه می‌آید فهرستی از برخی تفاسیر ادبی شیعیان است که از رهگذر توجه به وجوه ادبی قرآن پدید آمده‌اند. در این فهرست به دو گروه از تفاسیر ادبی شیعه اشاره شده است؛ هم از تفاسیری یاد شده است که صرفاً به وجوه ادبی قرآن پرداخته‌اند و هم به تفاسیری پرداخته شده است که تنها در بخش‌هایی از آنها، وجوه ادبی قرآن آمده است:

۱. غریب القرآن، محمد بن سائب کلبی کوفی (م ۱۴۶ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۲۶۷)؛
۲. التحصیل فی مختصر التفصیل، ابوالعباس احمد تمیمی اندلسی (م ۴۴۰ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۱۶)؛
۳. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) (همان: ۲۱۹)؛
۴. مجمع البیان، طبرسی (م حدود ۵۴۸ ق) (همان)؛
۵. جوامع الجامع، طبرسی (م حدود ۵۴۸ ق) (همان)؛
۶. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۲۶۹)؛
۷. نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن حسین شیبانی (سده هفتم هجری) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲ / ۳۲۸)؛
۸. غریب القرآن الکریم، فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۷ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۲۹)؛
۹. تفسیر شبر، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق) (همان: ۲۳۰)؛

۱۰. معدن الأنوار و مشکاة الأسرار، شیخ محمد صالح برغانی حائری (م ۱۲۷۱ ق) (همان: ۲۳۱)؛
۱۱. الصورة الفنية في المثل القرآني دراسة نقدية و بلاغية، محمدحسین علی صغیر (معاصر) (همان: ۲۶۳)؛
۱۲. الوجیز فی تفسیر القرآن، علی محمد علی دخیل (معاصر) (رک: ایازی، ۱۴۱۴: ۷۴۷)؛
۱۳. البصائر، یعسوب‌الدین رستگار (معاصر) (رک: مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۱۹)؛
۱۴. تقریب القرآن الی الأذهان، سید محمد حسینی شیرازی (معاصر) (رک: ایازی، ۱۴۱۴: ۳۷۳؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

۲. تفسیر فقهی

مفسر با انتخاب این گرایش تفسیری به دنبال آن است که با بهره‌گیری از تخصص خود در زمینه فقه، تفسیری ارائه کند تا نیازمندی‌های مخاطب را در زمینه مسائل و فروع فقهی برطرف سازد. بدین منظور، دسته‌ای از مفسران شیعه بر مبنای روش عقلی-اجتهادی و با گرایش‌های فقهی خود آثاری را آفریده‌اند که تفاسیر فقهی نام گرفته‌اند. این تفاسیر، تنها به تفسیر آیه‌هایی می‌پردازند که مربوط به احکام شرعی (تکلیفی یا وضعی) متعلق به عمل مکلفان هستند؛ بنابراین، به لحاظ سبک تفسیری از تفاسیر موضوعی نیز به شمار می‌آیند. تفاسیرهای فقهی از قدیمی‌ترین تفاسیری هستند که از قرن دوم (هم‌زمان با شکل‌گیری مذاهب فقهی در قرن دوم و سوم هجری) تا کنون تدوین شده‌اند؛ غالب این تفاسیر نام «آیات الأحکام» را به خود گرفته‌اند. در این بخش از تفاسیر، مفسران می‌کوشند با استفاده از آیات قرآن، فروع فقهی را برملا سازند و با شرح حکم شرعی، احکام عملی مربوط به عبادات و معاملات را نیز بیان کنند (رک: معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۲۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۸۸-۹۲؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۳).

مفسران شیعه در عرصه تفسیر فقهی نیز پیشتاز بوده‌اند؛ به طوری که نخستین اثر در آیات الأحکام به دست ابونضر محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶ ق) از یاران بنام امام محمدباقر و امام صادق(ع) و از بزرگان اتباع التابعین نوشته شد؛ این اثر بر جای نمانده است (رک: ایازی، ۱۳۸۰: ۱۷). آقابزرگ تهرانی سی کتاب درباره آیات الأحکام از فقهای

- امامیه نام برده است (رک: آغابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱/ ۴۰-۴۲)؛ اما تنها آثار تفسیری فقیهان امامیه از سده ششم به بعد در دست هستند (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۳۰ و ۲۳۱؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۱۷). بخشی از این آثار که به آیات فقهی پرداخته‌اند، ذیلاً فهرست شده‌اند؛ در این فهرست آثار دیگری که تنها در بخش‌هایی به تفسیر فقهی آیات پرداخته‌اند، نیز آمده‌اند:
۱. تفسیر احکام القرآن (فقه القرآن)، قطب‌الدین ابی‌الحسین سعید بن هبة‌الله راوندی (م ۵۷۳ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۴۲ و ۲۴۳؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۶؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۶: ۳)؛
 ۲. احکام القرآن سیوری (کنز‌العرفان فی فقه القرآن)، جمال‌الدین ابوعبدالله مقداد بن عبدالله بن محمد بن حسین بن محمد سیوری حلی اسدی معروف به فاضل مقداد (م ۸۲۶ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۴۴؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۶-۲۳۷؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۶: ۳)؛
 ۳. تفسیر شاهی، سید امیرابوالفتح حسینی جرجانی شیعی (م ۹۷۶ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۸؛ مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۴. زیادة البیان فی احکام القرآن، احمد بن محمد اردبیلی (م ۹۹۳ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۴۴؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۸؛ مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۵. آیات الاحکام استرآبادی، میرزا محمد بن ابراهیم (م ۱۰۲۶ ق) (مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۶. مسالك الأفهام الی آیات الأحکام، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد الجواد بن سعد بن الجواد الکاظمی (م قرن ۱۱ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۴۴۵؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۳۹؛ مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۷. تحصيل الاطمینان فی مطالب زیادة البیان، میر سید محمد ابراهیم حسینی قزوینی (م ۱۱۴۹ ق) (مؤدب، همان: ۲۴۱)؛
 ۸. قلائد الدرر فی بیان آیات الأحکام بالأثر، احمد بن اسماعیل بن عبدالنبی جزایری (م ۱۱۵۱ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۴۵؛ مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۹. تفسیر آیات الأحکام، سید محمدحسین طباطبایی یزدی (م ۱۳۸۶ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۷۲؛ مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۱۰. اقصی البیان، شیخ محمد سلطانی گرمودی قمی (مدیر شانه‌چی، همان)؛
 ۱۱. احکام القرآن، محمد خزائلی (همان)؛
 ۱۲. احکام القرآن، سید ابوالفضل برقعی (همان)؛
 ۱۳. تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی (معاصر) (جوادی، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

۳. تفسیر کلامی^۳

مهم‌ترین و بیشترین آیات قرآن کریم مربوط به مسائل اعتقادی و کلامی هستند. این آیات در دو بخش کلی قابل بررسی‌اند: ۱. آیات مربوط به ادیان؛ ۲. آیات مربوط به اصول دین، شامل توحید، نبوت، معاد، صفات پروردگار، آیات متشابه، جبر و اختیار، و...؛ آنچه در تفسیر کلامی بیشتر بحث می‌شود همین قسم دوم است (رک: علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

تفسیر با گرایش کلامی، روشی است که یک مفسر ضمن تفسیر آیه‌های اعتقادی یا فقهی، از مذهب و عقاید خود دفاع می‌کند. مفسر در این شیوه می‌کوشد در تفسیر آیات اعتقادی، به اثبات عقیده خود یا نقد مخالفان پردازد (رک: همان: ۲۳۳). بر همین اساس، مفسران شیعی نیز با تکیه بر آیات مربوط به اصول عقاید (توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد و...) از عقاید دینی و مذهبی خود دفاع کرده‌اند. آنان هرگاه به آیه‌ای اعتقادی رسیده‌اند، برای اثبات عقاید خود بسیار تلاش کرده‌اند؛ این مفسران با استفاده از این گرایش تفسیری، آثار فاخری را نیز پدید آورده‌اند. بخشی از این آثار غالباً بر مباحث کلامی استوارند و دسته‌ای دیگر فقط بخش‌هایی از مباحث خود را به موضوع‌های کلامی و اعتقادی اختصاص داده‌اند. در ادامه شماری از تفاسیر کلامی شیعیان را در هر دو بخش برمی‌شمریم:

۱. حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، سید رضی (م ۴۰۶ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۲۱۶)؛
۲. تفسیر شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (م ۴۱۳ ق) (ایازی، ۱۴۱۴: ۲۷۵)؛
۳. مالی، سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۲۱۹)؛
۴. التبیان، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) (همان: ۲۲۰؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۲۳۲)؛
۵. حدائق ذات بهجة (تفسیر قزوینی)، ابویوسف عبدالسلام قزوینی (م ۴۸۸ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۴۸)؛
۶. جوامع الجامع، طبرسی (م حدود ۵۴۸ ق) (ایازی، ۱۴۱۴: ۴۸۹؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۵۳)؛
۷. مجمع‌البیان، طبرسی (م حدود ۵۴۸ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۲۴۴؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۶۱۱)؛
۸. روض الجنان، ابوالفتوح رازی (م ۵۵۶ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۲۴۷؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۴۸۹؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۵۳)؛

۹. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۵۸ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۴۸؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۲۵۰)؛
۱۰. بلابل القلائل، ابومکارم محمود بن محمد حسنی (م قرن هفتم ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۴۹)؛
۱۱. دقائق التأویل و حقایق التنزیل، ابومکارم محمود بن محمد حسنی (م قرن هفتم ق) (همان)؛
۱۲. جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، ابومحاسن حسین بن حسن جرجانی (م قرن هشتم ق) (همان: ۲۵۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۲۷۱)؛
۱۳. تفسیر دیلمی، ابوالفضل بن بهاء الدین یوسف دیلمی (م ۸۰۰ ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۲۷۳)؛
۱۴. لوامع التنزیل و سواطع التأویل، ابوالقاسم رضوی لاهوری (م ۱۳۲۴ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۵۱)؛
۱۵. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، شیخ محمدصادق طهرانی (معاصر) (همان: ۲۵۲)؛
۱۶. تفسیر کیوان، عباس علی کیوان قزوینی (۱۳۵۷ ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۴۱)؛
۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲ ق) (همان: ۳۷۲)؛
۱۸. اطبیب البیان، سید عبدالحسین طیب اصفهانی (م ۱۴۱۱ ق) (همان: ۳۸۳)؛
۱۹. مناہج البیان فی تفسیر القرآن، محمدباقر ملکی میانجی (م ۱۴۱۹ ق) (همان: ۳۸۴)؛

۴. تفسیر فلسفی

فلسفه به موضوعاتی مانند واجب الوجود، حقایق هستی، انسان و جهان می پردازد که در قرآن کریم نیز آمده اند. بنابراین، می توان گرایش تفسیر فلسفی را پرداختن به این دست موضوعات دانست؛ بدین معنا که فیلسوف با ضوابط، اصول و قواعد معتبر مانند عقل سالم و فطری، همراه آیات و روایات می تواند به تفسیر قرآن پردازد (رک: علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۵۱ و ۳۵۲). بنا بر این گرایش، مفسران شیعه بر پایه یکی از مکتب های فلسفه مشأ، اشراق و حکمت متعالیه، از اصول و قواعد فلسفی معتبر برای ادراک مفاهیم و

مقاصد قرآن کمک می‌گیرند. در تفسیرهای فلسفی، از استدلال در تفسیر آیات بهره‌ فراوان برده می‌شود و آیه‌های مربوط به هستی و وجود، با تدبیر خاص و بر اساس اصول فلسفه تفسیر می‌شوند (رک: مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۵۵؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۶۴).

پیش از ارائه فهرستی از تفاسیر فلسفی شیعه، این نکته افزودنی است که تفسیر قرآن با گرایش فلسفی دو گونه است:

۱. تطبیق و حمل آیات قرآن با آرای فلسفی، بدون استفاده از ضوابط صحیح و منابع معتبر در دین، مانند دیگر آیات و سنت. نتیجه این‌گونه تفسیری، تنزل نصوص دینی، تغییر مفاهیم حقیقی آیات و دور شدن از شریعت خواهد بود. در واقع این نوع تفسیر، تحمیل رأی بر قرآن و از مصادیق «تفسیر به رأی» خواهد بود.

۲. دست یافتن به مفاهیم حقیقی دین و بررسی دقیق معنای آیات، مطابق ضوابط صحیح و منابع معتبر در تفسیر. در این شیوه با جمع بین مفاهیم صحیح آیات قرآن و قوانین فلسفی، تلفیقی بین دین و فلسفه ایجاد می‌شود و می‌توان یک فلسفه قرآنی ارائه داد؛ برخلاف گونه اول که در صدد ارائه قرآن فلسفی بودند نه فلسفه منطبق با قرآن. بهترین نمونه این تلفیق در حکمت متعالیه مشاهده می‌شود، اما حکمت مشاء که تنها بر براهین عقلی محض متکی است و نیز حکمت اشراق که فقط بر کشف و شهود متکی است، دارای یک بال و یک بعد از ابعاد رسیدن به حق هستند (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۳۵۲).

تعدادی از تفاسیر فلسفی شیعه که گرایش غالب یا یکی از گرایش‌های آنها فلسفه است، بدین شرح‌اند:

۱. تفسیر ابن‌سینا، ابوعلی سینا^۴ (م قرن سوم ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۵۶)؛

۲. تفسیر القرآن‌الکریم، ملاصدرا (م ۱۰۵۰ ق) (رک: ایازی، ۱۴۱۴: ۶۴، ۳۱۰-۳۱۵؛ مؤدب، همان)؛

۳. تحفة الأبرار فی تفسیر القرآن، ملا محمد ملانکه (م قرن دوازدهم ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۵۷)؛

۴. تفسیر رضوان، میرزا عبدالوهاب (م ۱۲۹۴ ق) (همان)؛

۵. بیان السعادة فی مقامات العبادة، سلطان محمد بن حیدر (م ۱۳۲۷ ق) (ایازی، ۱۴۱۴: ۲۱۲-۲۱۷)؛

۶. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی (م ۱۴۰۲ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۳؛ ۱۳۸۱: ۳۵۸)؛
۷. مخزن العرفان، سیده نصرت امین اصفهانی (م ۱۴۰۳ ق) (ایازی، ۱۴۱۴: ۶۲۹-۶۳۳)؛
۸. تفسیر الغیب و الشهادة من خلال القرآن، محمدعلی بازوری (معاصر) (همان: ۵۳۱-۵۳۴)؛
۹. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی معروف به موثق (م ۱۳۷۹ ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۴۱)؛
۱۰. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید مرتضی موسوی معروف به مستنبط غروی (م ۱۳۹۱ ق) (همان: ۳۴۲)؛
۱۱. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) (همان: ۳۴۳)؛
۱۲. انوار درخشان، سید محمدحسین همدانی معروف به آقا نجفی (م ۱۴۱۷ ق) (همان: ۳۸۳)؛
۱۳. تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی (معاصر) (همان: ۳۸۵؛ جوادی، ۱۳۸۱: ۹۷-۱۱۰).

۵. تفسیر تربیتی

تفسیر تربیتی از گرایش‌های تفسیری است که بر محور روش تفسیر عقلی - اجتهادی شکل می‌گیرد و گروهی از تفاسیر شیعه را شامل می‌شود. مفسرانی که با این گرایش به سراغ قرآن رفته‌اند، با عنایت به دغدغه‌های ذهنی خود و تخصص‌هایی که در این زمینه کسب کرده‌اند، برخی نیازهای مخاطبان را پاسخ داده و با آفرینش این دست تفاسیر به مباحث اخلاقی و هدایتی قرآن پرداخته‌اند. از نگاه آنان مهم‌ترین نکته‌های تفسیری، مطالب اخلاقی و هدایتی هستند (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۱)؛ شاید برای همین است که برخی از تفسیرپژوهان، بدون ذکر عنوان تفسیر تربیتی، از آن با عناوینی چون «تفسیر تحلیلی»، «تفسیر هدایتی» و «تفسیر اخلاقی» یاد کرده‌اند (ایازی، ۱۴۱۴: ۴۸، ۴۹ و ۵۴).

تفاسیر تربیتی شیعه را به دو گونه باید ملاحظه کرد: نخست آنها که گرایش غالبشان مباحث اخلاقی و هدایتی است، و دوم آن دسته که در کنار دیگر مطالب تفسیری به مباحث اخلاقی و تربیتی نیز پرداخته‌اند. فهرست برخی از این دو دست تفاسیر از این قرار است:

۱. *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ملافتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ ق) (همان: ۶۷۹-۶۸۳؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۰۳)؛
۲. *خلاصه‌البيان فی تفسیر القرآن*، سید هاشم حسینی میردامادی (م ۱۳۸۰ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۳)؛
۳. *تفسیر القرآن الکریم*، مصطفی‌خیمینی (م ۱۳۹۷ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۴۳)؛
۴. *پرتوی از قرآن*، سید محمود طالقانی (م ۱۳۹۹ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۴)؛
۵. *روان جاوید*، میرزامحمد تقفی (م ۱۴۰۶ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۵؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۲)؛
۶. *من وحی القرآن*، محمدحسین فضل‌الله (م ۱۳۸۸ش) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۶؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۷)؛
۷. *تقریب القرآن إلى الأذهان*، سیدمحمد حسینی شیرازی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۶)؛
۸. *مقتنیات الدرر*، میر سیدعلی حائری طهرانی (م ۱۳۴۰ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۶۵۹-۶۶۳؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۴۱)؛
۹. *حجة التفاسیر*، سید عبدالحجة بلاغی (م ۱۳۹۹ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۴۴۸-۴۵۱)؛
۱۰. *الکاشف*، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۵۶۸-۵۷۲)؛
۱۱. *مخزن العرفان*، سیده نصرت امین اصفهانی (م ۱۴۰۳ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۶۲۹-۶۳۳)؛
۱۲. *اطیب البیان*، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۱۴۳-۱۴۷)؛
۱۳. *تفسیر آسان*، محمدجواد نجفی (م ۱۴۱۹ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۳)؛
۱۴. *تفسیر نمونه (الأمثل)*، ناصر مکارم شیرازی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۱۵۱-۱۵۷)؛
۱۵. *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، محمد صادقی طهرانی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۵۵۱-۵۵۶؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۹)؛
۱۶. *حسن الحدیث*، سید علی‌اکبر قرشی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۱۲۳-۱۲۵)؛

۱۷. من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس‌ی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۷۶۸-۷۷۳)؛
۱۸. تفسیر روشن، حسن مصطفوی (م ۱۴۲۸ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۴)؛
۱۹. تفسیر القرآن الکریم، محمدعلی تسخیری (معاصر) (همان: ۳۸۵)؛
۲۰. الغیب و الشهاده، محمدعلی بازوری (معاصر) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۵؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۵۳۱-۵۳۴)؛
۲۱. تطهیر با جاری قرآن، علی صفایی (عین صاد) (م ۱۴۲۰ ق) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۶)؛
۲۲. تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی (معاصر) (جوادی، ۱۳۸۱: ۱۰۷)؛
۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی (معاصر) (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۵).

۶. تفسیر اجتماعی

گرایش اجتماعی، گرایش تفسیری نوپدید است که از روش تفسیر عقلی - اجتهادی برآمده است. مفسران نوگرای معاصر راه‌حل مشکلات اجتماعی بشر امروزین را پرداختن به تفسیر آیات قرآن با رویکرد اجتماعی می‌دانند. آنان از دیدگاه پدیده‌ها و حوادث اجتماعی به آیات قرآن می‌نگرند و به تحلیل و بررسی آیه‌های اجتماعی قرآن می‌پردازند. این گرایش نوگرای تفسیری، هرگز تقلیدگونه به مسائل ظاهری و خسته‌کننده جامعه - که موجب دوری مردم از قرآن می‌شوند - نمی‌پردازد، بلکه پس از اظهار دقیق و ظرافت‌های تعبیر قرآنی، با سبکی نو و زیبا آنها را با هستی، زندگی، آداب و سنن اجتماعی و واقعیت‌های موجود در جامعه مطابق و هماهنگ می‌کند. همچنین دور از هرگونه تعصب و تصلب افراطی به قرآن می‌نگرد و مفاهیم قرآن را آن‌گونه که هست، در دیدرس مردم قرار می‌دهد. افزون بر این، از دخالت اسرائیلیات و روایت‌های ساختگی می‌پرهیزد و اصطلاح‌های علوم و فنون و فلسفه و کلام را تنها به قدر نیاز و ضرورت به کار می‌برد.

این رویکرد جدید، گوشه‌هایی از بلاغت قرآن و اعجاز بیانی آن را آشکار، و سنت‌های حاکم بر هستی و جامعه را که در قرآن بدان‌ها اشاره رفته است، برملا می‌کند. از این رهگذر، با نشان دادن مشکلات جامعه اسلامی و بشری، ارشادها و راهنمایی‌های

قرآن را نیز در حل آنها ارائه می‌دهد. همچنین بین قرآن و دیدگاه‌های درست و ثابت علمی تعامل و تطابق به وجود می‌آورد و ضمن پاسخ به شبهه‌های وارد به قرآن، به عقل انسان آزادی و اختیاری گسترده می‌بخشد.

سرچشمه‌های این گرایش نوظهور را باید در افکار نوگرای سید جمال‌الدین اسدآبادی جست‌وجو کرد؛ اما شاگرد وی محمد عبده (م ۱۳۲۳ ق) آن را شکل داد و بنیان گذاشت؛ از آن پس شاگردان عبده، از مفسران شیعه و سنی، این راه را ادامه دادند. ویژگی‌های این رویکرد اجتماعی به قرآن باعث شد تفسیرهای شیعی فراوانی در طول نزدیک به یک قرن گذشته با این گرایش شکل بگیرند که به مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد.

پیش از ارائه فهرستی از تفاسیر اجتماعی شیعیان، این نکته گفتنی است که اگر قلمرو مباحث اجتماعی را به مباحث سیاسی، تاریخی، مذهبی و... قابل گسترش بدانیم، می‌توان تفسیرهایی را که با گرایش سیاسی، تاریخی، تقریب مذاهب و نظایر اینها تدوین یافته‌اند، در زمره تفسیرهای اجتماعی به شمار آورد (رک: سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۰۱؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۶۵؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۸۱-۴۸۳؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۹؛ علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۴۳؛ خوش‌منش، ۱۳۸۶: ۱۲۹). بخشی از تفاسیر اجتماعی شیعه به شرح ذیل است:

۱. *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، میر سیدعلی حائری طهرانی (م ۱۳۴۰ ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۴۱)؛
۲. *تفسیر عاملی*، ابراهیم عاملی (م ۱۳۴۷ ق) (همان؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۰)؛
۳. *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، محمدجواد بلاغی نجفی (م ۱۳۵۲ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۱؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۲ / ۳۰۳)؛
۴. *خلاصه البیان فی تفسیر القرآن*، سید هاشم حسینی میردامادی (م ۱۳۸۰ ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۴۲)؛
۵. *تفسیر القرآن الکریم*، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) (همان: ۳۴۳)؛
۶. *الکاشف*، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۲؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۴)؛
۷. *منشور جاوید*، جعفر سبحانی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۲؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۵۲۳)؛

۸. الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، علی محمد علی دخیل (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۴؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۷۴۷)؛
۹. من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۴؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۷۶۸؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۵)؛
۱۰. حجة التفاسیر، سید عبدالحجة بلاغی (م ۱۳۹۹ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۶؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۴۴۸)؛
۱۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ ق) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۶؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۷۰۳؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۴۹۷)؛
۱۲. تفسیر نمونه (الأمثل)، ناصر مکارم شیرازی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۶؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۱۵۱؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۲؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۶)؛
۱۳. تقریب القرآن إلى الأذهان، سید محمد حسینی شیرازی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۶؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۳۷۳؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۴)؛
۱۴. احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی (معاصر) (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۸۶؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۱۲۳)؛
۱۵. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، محمد صادقی طهرانی (م ۱۳۹۰ش) (معرفت، ۱۳۸۰: ۴۹۹؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۵۵۱؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۹)؛
۱۶. من وحی القرآن، سید محمدحسین فضل الله (م ۱۳۸۸ش) (معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۱؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۷۵۳؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۷)؛
۱۷. تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی (م ۱۴۰۷ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۷؛ علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۲)؛
۱۸. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۹۹ ق) (معرفت، ۱۳۸۰: ۵۰۸)؛
۱۹. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی (م ۱۴۱۹ ق) (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۳)؛
۲۰. مناہج البیان فی تفسیر القرآن، محمدباقر ملکی میانجی (م ۱۴۱۹ ق) (همان: ۳۸۴)؛
۲۱. تفسیر روشن، حسن مصطفوی (م ۱۴۲۸ ق) (همان)؛
۲۲. تفسیر کوثر، یعقوب جعفری (معاصر) (همان)؛
۲۳. تفسیر القرآن الکریم، محمدعلی تسخیری و محمدسعید نعمانی (معاصر) (همان: ۳۸۵)؛

۲۴. الغیب و الشهادة، محمدعلی بازوری (معاصر) (همان)؛

۲۵. تفسیر کاشف، سید محمدباقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (معاصر) (همان)؛

۲۶. تطهیر با جاری قرآن، علی صفایی حائری (عین صاد) (م ۱۴۲۰ ق) (همان: ۳۸۶).
تفسیرهایی که یاد شدند، یا بیشتر با رویکرد اجتماعی تدوین یافته‌اند یا در کنار دیگر گرایش‌ها، به گرایش اجتماعی نیز متمایل بوده‌اند.

سبک تفسیری

به نظر می‌رسد سبک تفسیری قرآن، مرحله دیگری از تفسیر است که پس از دو مرحله روش و گرایش تفسیری قرار می‌گیرد؛ یعنی مفسر پس از آنکه بر روش تفسیری خاصی ایستاد و با گرایش خاصی هدف خود را از تفسیر معین کرد، نوبت به این می‌رسد که نتیجه تفسیر خود را چگونه عرضه کند. چگونگی ارائه و نمایاندن تفسیر را می‌توان سبک تفسیری نامید؛ مرحله‌ای از تفسیر قرآن که با قطع نظر از روش و گرایش تفسیری شکل می‌گیرد. زبان بیان تفسیر (عربی، فارسی، انگلیسی، ترکی، و...)، شکل و قالب بیان تفسیر (نظم، نثر، ساده، علمی، ادبی و...)، موضوعی بودن تفسیر، ترتیبی بودن تفسیر، مزجی بودن تفسیر و مسائلی از این دست را می‌شود انواع سبک تفسیری نامید. با نگاهی کلی و گذرا به مجموعه تفاسیر شیعه در گذشته و حال، می‌توان دریافت که مفسران شیعه در پرداختن به تفسیر قرآن از انواع سبک‌های تفسیری بهره برده‌اند.

۱. زبان تفسیر شیعه

زبان بیان تفسیر که خود نوعی سبک تفسیری به شمار می‌رود، در میان مفسران شیعی بیشتر عربی بوده است. هرچند تفاسیر شیعه با زبان فارسی نیز کم‌شمار نیستند؛ از جمله:

۱. *روض الجنان*، ابوالفتوح رازی (م حدود ۵۵۲ ق)؛

۲. *البابل و القلاقل*، ابوالمکارم حسنی واعظ (قرن هفتم ق)؛

۳. *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان* (تفسیر گازر)، ابومحاسن حسین بن حسن جرجانی (قرن هشتم ق)؛

۴. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۸۸ ق)؛
۵. تفسیر شریف لاهیجی، بهاء الدین (قطب الدین) محمد بن شیخ علی الشریف الالاهیجی (م ۱۰۸۸ ق)؛
۶. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۹۹ ق)؛
۷. لوامع التنزیل و سواطع التأویل، سید ابوالقاسم رضوی لاهوری (م ۱۳۲۴ ق)؛
۸. تفسیر کیوان، عباسعلی کیوان قزوینی (م ۱۳۵۷ ق)؛
۹. التبیین فی شرح آیات المواعظ و البراهین، میرزا ابوتراب شهیدی (م ۱۳۷۵ ق)؛
۱۰. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی معروف به موثق (م ۱۳۷۹ ق)؛
۱۱. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن، سید هاشم میردامادی (م ۱۳۸۰ ق)؛
۱۲. تفسیر اثنا عشری، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی (م ۱۳۸۴ ق)؛
۱۳. تفسیر خسروی، علی رضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق)؛
۱۴. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی (زنده تا سال ۱۳۸۲ ق)؛
۱۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی (معاصر)؛
۱۶. مخزن العرفان، سیده نصرت امین اصفهانی (م ۱۴۰۳ ق)؛
۱۷. روان جاوید، میرزا محمد تقی تهرانی (م ۱۴۰۶ ق)؛
۱۸. تفسیر نوین، محمد تقی شریعتی (م ۱۴۰۷ ق)؛
۱۹. اطیب البیان، سید عبدالحسین طیب اصفهانی (م ۱۴۱۱ ق)؛
۲۰. انوار درخشان، سید محمدحسین همدانی (م ۱۴۱۷ ق)؛
۲۱. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی (م ۱۴۱۹ ق)؛
۲۲. تفسیر روشن، حسن مصطفوی (م ۱۴۲۸ ق)؛
۲۳. تفسیر کوثر، یعقوب جعفری (معاصر)؛
۲۴. تفسیر نور، محسن قرائتی (معاصر)؛
۲۵. تسنیم تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی (معاصر)؛
۲۶. تفسیر کاشف، سید محمدباقر حجتی و عبدالکریم بی آزار شیرازی (معاصر)؛
۲۷. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از نویسندگان (معاصر)؛
۲۸. احسن الحدیث، سیدعلی اکبر قرشی (معاصر)؛
۲۹. تطهیر با جاری قرآن، علی صفایی (عین صاد) (م ۱۴۲۰ ق)؛

۳۰. تفسیر دانشجو، محمدعلی رضایی اصفهانی (معاصر) (رک: علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۸۶-۲۴۷).

اکنون که عصر فراوانی تفاسیر فارسی شیعه است، می‌توان این سبک بیانی تفسیر قرآن را در میان شیعیان به‌راحتی دنبال کرد. تسنیم تفسیر قرآن کریم، اثر عبدالله جوادی آملی، تفسیر راهنما، نوشته اکبر هاشمی و پژوهشگران مرکز فرهنگ و معارف قرآن، و تک‌نگاری‌های فراوان دیگری در تفسیر قرآن کریم، ادامه راهی هستند که مفسران سلف شیعه با زبان فارسی آغاز کرده‌اند و استمرار آن را به اخلاف صالح خود سپرده‌اند. درباره زبان تفسیرهای شیعه به مواردی هم برمی‌خوریم که از ترکیب زبان عربی و فارسی با هم بهره برده‌اند. همانند تفسیر *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، اثر محمد بن عبدالرحیم نهاوندی (م ۱۳۷۰ ق). همچنین می‌توان از تفسیر *کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقایق*، میر محمد کریم (زنده تا سال ۱۳۲۲ ق) یاد کرد که نخست به زبان ترکی بود، ولی به زبان فارسی نیز ترجمه شد و قرآن برای همه نام گرفت (رک: همان: ۳۴۱).

۲. شکل بیانی تفاسیر شیعه

منظور از شکل بیانی تفاسیر شیعه در اینجا، ویژگی‌هایی است چون: نظم، نثر (ساده، علمی و ادبی)، مزج، اختصار، تفصیل و ترتیب. بیشتر تفاسیر شیعه که به زبان عربی تدوین شده‌اند، از شکل نثر علمی بهره برده‌اند، اما در میان تفاسیر فارسی شیعه می‌توان نمونه‌هایی را یافت که افزون بر نثر علمی و بعضاً ساده، دارای ویژگی ادبی نیز هستند؛ از جمله *روض الجنان ابوالفتوح رازی و البلابل و التلاقل ابوالمکارم حسنی* که از تفاسیر فاخر زبان فارسی به‌شمار می‌آیند.

برخی مفسران شیعه که ذوق شعری داشته‌اند، تفسیر خود را به شکل منظوم ارائه کرده‌اند. تفسیر *منظوم صنفی علی‌شاه*، به‌عنوان نمونه‌ای از تفاسیر منظوم شیعیان، یادکردنی است (رک: شاکر، ۱۳۸۲: ۵۰ و ۵۱).

گروهی از مفسران خوش‌ذوق و ادب‌ورز شیعه نیز تفسیر قرآن را به شکل مزجی یعنی ترکیب شرح و متن آیات ارائه کرده‌اند؛ از این جمله می‌شود به تفسیر *شبر* (تفسیر صغیر) اشاره کرد (همان).

در میان تفاسیر موجود شیعه برخی را می‌توان دید که به شکل مختصر، چکیده‌ای از مباحث تفسیری آیات قرآن را نمایش داده‌اند. در این باره باید از تفسیر *الأصفی* و *المصفی فیض کاشانی*، تفسیر *شبر عبدالله شبر* و *الوجیز علی محمد علی* دخیل یاد کرد.

جز تفاسیر یاد شده، دیگر تفاسیرهای شیعیان اغلب به شکل تفصیلی و ترتیبی (ترتیب سوره‌های قرآن یا ترتیب نزول) تدوین شده‌اند. بیشتر مفسران شیعی با این سبک بیانی به سراغ تفسیر رفته‌اند و به همین دلیل، تفاسیر مفصل و ترتیبی قرآن در مقایسه با تفاسیرهای منظوم، مزجی و مختصر بسیار پر حجم هستند. گویی هدف نخست و اصلی مفسران شیعه این بوده است که در تفسیر قرآن بنا را بر تفصیل و توضیح بیشتر بگذارند و به ترتیب سوره‌های موجود در قرآن - و بعضاً به ترتیب نزول - سراغ کشف مفاهیم و معارف قرآن بروند.

۳. تفاسیر موضوعی

یکی دیگر از سبک‌های بیانی قرآن که در میان مفسران شیعه گسترش یافته و از پیشینه قابل توجهی نیز برخوردار است، تفسیر بر اساس موضوع است؛ تفاسیر بی‌شماری با این سبک نوشته شده‌اند. این سبک تفسیری از آغاز شکل‌گیری دانش تفسیر در کنار سبک تفسیر ترتیبی به وجود آمد؛ با این تفاوت که در این سبک، تنها به تفسیر آیات خاص با اهداف و پیام‌های ویژه آنها پرداخته می‌شود. تفسیر موضوعی جز به مسائل دینی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و نظایر اینها، غالباً به دیگر ابعاد آیه‌های قرآن که جنبه لفظی و فنی دارند، نمی‌پردازد.

آیه‌های مربوط به مسائل فقهی (آیات الأحکام)، تاریخ انبیا و قصه‌های قرآنی، معارف قرآن، اخلاق در قرآن، سنن الاهی در قرآن، آیات علمی قرآن، اهل بیت در قرآن، توحید و شرک در قرآن، یهود در قرآن، زن از دیدگاه قرآن، رد مطاعن (شبهات) بر قرآن، سؤال و جواب در قرآن، تنزیه الانبیا، متشابهات قرآن، ناسخ و منسوخ در قرآن، امثال قرآن، سوگندهای قرآن، اعراب قرآن، حل مشکلات ادبی قرآن، غریب القرآن (عبارت‌های مشکل قرآن) و مباحث بی‌شمار دیگری از این دست، موضوع‌هایی هستند که، از آغاز شکل‌گیری تفسیر موضوعی تا زمان حاضر، کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های

بسیاری را در میان تفسیرگران شیعه به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه برخی تفاسیر موضوعی قرآن را که به دست مفسران معاصر شیعه قلمی شده‌اند، برمی‌شمریم:

۱. مفاهیم قرآن، جعفر سبحانی (معاصر)؛
 ۲. منشور جاوید، جعفر سبحانی (معاصر)؛
 ۳. پیام قرآن، گروه نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی (معاصر)؛
 ۴. معارف قرآن، محمدتقی مصباح یزدی (معاصر)؛
 ۵. تفسیر موضوعی، عبدالله جوادی آملی (معاصر)؛
 ۶. معارف قرآنی، محمدهادی معرفت (م ۱۴۲۷ ق)؛
- تفاسیر یادشده از مهم‌ترین تفسیرهای موضوعی شیعیان در عصر حاضرند که هریک ده‌ها موضوع را در زمینه‌های گوناگون از نگاه قرآن بررسی کرده‌اند. بخشی دیگر از تفاسیر موضوعی قرآن عبارت‌اند از:
۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)؛
 ۹. تفسیر آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، به قلم سید هادی خسروشاهی (معاصر)؛
 ۱۰. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، گروهی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی (معاصر)؛
 ۱۱. نکته‌هایی از قرآن مجید، محمدهادی فخر شیرازی (م ۱۴۱۵ ق)؛
 ۱۲. المحکم و المتشابه فی القرآن، محمدهادی معرفت (م ۱۴۲۷ ق)؛
 ۱۳. المنهج القويم فی الدفاع عن قدسیة القرآن الکریم، محمدهادی معرفت (م ۱۴۲۷ ق)؛
 ۱۴. امثال القرآن، ناصر مکارم شیرازی (معاصر).

نتیجه

با مطالعه گرایش‌های تفسیری مفسران شیعه می‌توان به این نتیجه دست یافت که دغدغه اصلی مفسران شیعه این بوده است که با استفاده از تخصص‌های علمی خود برای پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی و حتی معیشتی مخاطبان قرآن به سراغ این منبع پایان‌ناپذیر معرفتی بروند و از دل این چشمه جوشان، نیازهای آنان را برآورند. هر یک از مفسران به فراخور تخصص و ذوق و سلیقه خود و بر اساس ضرورت‌هایی دست به

تفسیر قرآن برده و از ناگفته‌های قرآن درباره امور ادبی و بیانی، کلامی، فقهی، فلسفی، اجتماعی، تربیتی و جز اینها پرده برداشته است.

در سبک‌های تفسیری شیعه که مقام عرضه و ارائه تفسیرند، نیازهای مخاطب بیشتر در نظر گرفته شده‌اند و مخاطب‌شناسی از ضرورت‌های اصلی آنها به شمار آمده است. در این شیوه، بر اساس نیازسنجی از وضعیت مخاطب و موضوعاتی که بدانها نیازمند است، نوع و سبک تفسیری نیز انتخاب می‌شود. زبان تفسیر (فارسی، عربی و ...)، شکل بیانی تفسیر (نظم، نثر، مزجی، اختصار، تفصیل و ترتیب)، و موضوعی بودن تفسیر از مهم‌ترین سرفصل‌هایی هستند که مفسر در سبک تفسیری خود بدانها توجه وافر دارد.

پی‌نوشت

۱. تعریف‌هایی که در دو کتاب *المناهج التفسیریة* و *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری* از اصطلاح‌گرایش تفسیری شده، به تعریف برگزیده در اینجا نزدیک‌اند (رک: سبحانی، ۱۳۸۴: ۷۳ و ۷۴؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۱۰ و ۲۷ و ۲۱۵).
۲. برخی، این‌گرایش را از روش‌های تفسیر نقلی دانسته و از آن به «روش بیانی» و «روش لغت و قواعد عربی» نام برده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۴۵، ۱۴۹).
۳. این‌گرایش را از روش‌های تفسیر عقلی نیز شمرده‌اند (رک: سبحانی، ۱۳۸۴: ۹۰).
۴. ابن‌سینا برخی سوره‌ها و آیات قرآن را با مشرب فلسفی تفسیر کرده است: سوره اعلی، اخلاص، فلق، آیه ۱۱ فصلت، آیه نور و

کتاب‌نامه

- آغابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالأضواء.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶)، *دانشنامه ادب فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۴۱۴ق)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بابایی، علی‌اکبر و غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد (۱۳۷۹)، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، زیر نظر محمود رجیبی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۱)، *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی، سعید (۱۳۸۱)، «معرفی تسنیم، تفسیر قرآن کریم»، *مجله پژوهش و حوزه*، پاییز، شماره ۱۱.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «تفسیر اجتماعی قرآن و بیداری اسلامی»، *مجله پژوهش و حوزه*، تابستان و پاییز، شماره ۳۰ و ۳۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، *المناهج التفسیریة*، چاپ سوم، قم: مؤسسه امام صادق.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شریف لاهیجی، بهاء‌الدین (قطب‌الدین) محمد بن شیخ علی (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث) و دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- علوی‌مهر، حسین (۱۳۸۱)، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، قم: انتشارات اسوه.
- _____ (۱۳۸۴)، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (بی‌تا)، *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، چاپ چهارم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۰)، *روش‌های تفسیر قرآن*، قم: دانشگاه قم (انتشارات اشراق).
- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۶)، *آیات الاحکام*، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰)، *تفسیر و مفسران*، ترجمه علی خیاط و علی نصیری، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نقیسی، علی‌اکبر (۲۵۳۵)، *فرهنگ نقیسی (ناظم الأطبا)*، تهران: کتاب‌فروشی خیام.

